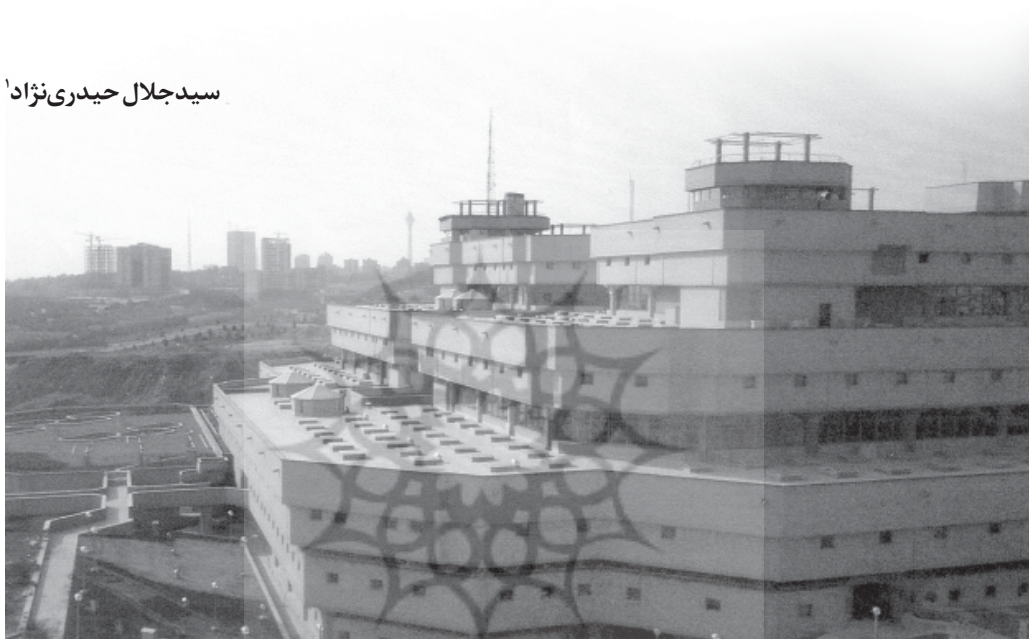


کتابخانه ملی ایران

با حضور رئیس جمهور افتتاح شد

سید جلال حیدری نژاد



... و تمام شد! یک دهه انتظار برای به سرانجام رسیدن ساختمانی که بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر چشم به راه آن بودند به پایان رسید. بنایی که نه تنها اهالی حوزه فرهنگ انتظار آن را می کشیدند بلکه فعالان عرصه سیاست که موضوعاً باید به قدرت بپردازند نیز گوشه چشمی به آن داشته اند و دارند و به سرانجام رسیدن آن را انتظار می کشیدند.

بنایی که برنامه اولیه آن در سال ۱۳۵۵ توسط کمیته ای مرکب از کارشناسان متخصص کتابخانه ملی تدوین شد؛ در سال ۱۳۵۷ برای تهیه طرح آن مسابقه ای برگزار شد و از میان ۶۰۰ طرح رسیده ۱۳ طرح انتخاب گردید، سرانجام از میان آن طرح ها، چنین ساختمانی در ۱۱ اسفند ۱۳۸۳

افتتاح شد. ساختمانی که از سال ۱۳۵۷، طرح، فکر و پرداختن به آن تا سال ۱۳۶۹ به دلایل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به بوته فراموشی سپرده شده بود، دوباره از سال ۱۳۷۰ پرونده غبار گرفته آن روی میز مسئولان امر قرار گرفت و سرانجام پس از سال‌ها در یکی از روزهای میانه هفته آخرین ماه پرازدحام سال که همه چیز گرفتار شتابی نامعقول می شود پرشتاب افتتاح شد!

نرم‌افزاری (نیروی انسانی و ابزار مورد نیاز) با بخش سخت‌افزاری (مجموعه بنا) هماهنگ نشود؛ کماکان ارائه خدمت به اهالی فرهنگ و هنر، به‌ویژه پژوهشگران و محققان را با دشواری‌هایی مواجه کرده است که باید دلایل آن روشن و رفع شوند، تا کتابخانه ملی جایگاه اصلی خود را در عرصه پژوهش و تحقیق بیابد. به‌هر حال حدود ۶۰ درصد از ساختمان کتابخانه ملی

- شما کتابخانه‌های ملی بسیاری دیده‌اید، کتابخانه ملی ایران در مقایسه با آنچه شما دیده‌اید، دارای چه ویژگی‌هایی است؟

احسان نراقی: هنوز به دقت کتابخانه را بازدید نکرده‌ام ولی خیلی خوشحالم از اینکه امروز این کتابخانه به همت آقای بجنوردی و در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی افتتاح شد.

حمید مولانا: البته بنده تازه بازدیدم را شروع کرده‌ام ولی به نظرم خیلی خوب و بزرگ است!

دکتر غریبی، رئیس مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران: برای اداره کردن چنین مجموعه‌ای باید از تجربه‌های کشورهای دیگر نیز استفاده کنیم و در حوزه علم صرفاً به تعامل درونی بسنده نکنیم.

افتتاح شده است و باید امیدوار بود که افتتاح بنا باعث سرعت گرفتن و آماده شدن نیروها، ابزار و امکانات جانبی برای خدمت‌رسانی بهینه شود، و چنانچه سرعت آماده شدن نیروها، ابزار و امکانات مورد نیاز، به سرعت پیش از مرحله انتقال و افتتاح برسد و پاسخگویی به مراجعه‌کنندگانی که قطعاً (پس از ده سال انتظار) خدمت بیشتر، علمی‌تر، دقیق‌تر، سریع‌تر و عمیق‌تر را می‌طلبند به دشواری پیش خواهد رفت و چه بسا پژوهشگران جدی و محققان و مؤلفانی که برنامه‌های اساسی در حوزه‌های گوناگون را در دست دارند، به جای مراجعه به این نهاد، کار خود را با استفاده از منابع و مراجع دیگر به سامان برسانند و در نهایت نیز هیچ نام و نشانی از کتابخانه ملی ایران نباشد. و به راستی چه اعتباری بیشتر از آنکه پژوهشگری بیاید و در اثر خود نامی از خدمتی که از این نهاد دریافت کرده ببرد؟ چه اعتباری بالاتر از

افتتاحی که بیشتر و بیشتر در برگیرنده بنا و چهره فیزیکی کتابخانه ملی بود. افتتاحی که پس از آن نشانه‌ها یا علائمی دال بر آمادگی کامل این نهاد برای ارائه خدمت به پژوهشگران و محققان دیده نشد و آن‌گونه نبود که از فرادای گشایش بنا توسط فرهنگی‌ترین سیاست‌مدار چند دهه اخیر کشور، سیدمحمد خاتمی، محققان و پژوهشگران بتوانند به این نهاد مراجعه و خدمتی شایسته دریافت کنند. بنای عظیم کتابخانه ملی با همه ویژگی‌هایی که از لحاظ معماری، وسعت، فضا و ابزار و امکانات مادی دارد و می‌تواند داشته باشد - و این امید محققان و پژوهشگران را در دسترسی به منابع و مراجع مکتوب و غیرمکتوب پرننگ‌تر می‌کند - افتتاح شد؛ اما به فعل نرسیدن قوای انسانی کتابخانه ملی که علل و دلایل قابل بررسی و تحلیلی دارد و همچنین شتابی که در مرحله انتقال و افتتاح وجود داشت و باعث شد تا بخش

اینکه نهادها و سازمان‌ها و افراد حقیقی و حقوقی همواره در پژوهش‌هایی که انجام می‌دهند به نوعی خدمتی را که کتابخانه ملی به آنها ارائه داده است متذکر باشند؟ به هر حال در این مجال اندک که باید به هیئت گزارش برای فصلنامه کتاب دربیاید، فرصت پرداختن و عمیق شدن در مسائلی که به اختصار به آنها اشاره شد وجود ندارد ولی باید امیدوار بود که روز به روز کتابخانه ملی به مرزهای خدمت‌رسانی بهینه نزدیک‌تر شود و اما... پیش از افتتاح.

حدود شش ماه یا بیشتر بود که کارکنان ساختمان سی تیر کتابخانه ملی مشغول انتقال کتاب‌ها و نشریات و مرتب کردن آنها بودند، یکی دو ماه پیش از مراسم افتتاحیه نیز سرعت انتقال بخش‌ها و قسمت‌های دیگر کتابخانه شتاب می‌گیرد و تلاش می‌شود تا پیش از روز افتتاح همه چیز آن‌گونه باشد که معمولاً برای افتتاح و مراسمی این چنینی باید باشد!

بلواری که ساختمان کتابخانه ملی را دور زده است درست تا ۴۸ ساعت پیش از افتتاح هنوز خاکی ست اما آنها که در یکی دو روز آخر نیز به این ساختمان رفت و آمد داشته‌اند مشاهده می‌کنند که به چه سرعتی بلوار کتابخانه اسفالت می‌شود و در میانه آن درخت‌های گوناگون کاشته و نه‌های ورودی‌های ساختمان پر آب می‌شوند، و شاید در دل خود آرزو می‌کردند که ای کاش همیشه این‌گونه بود. فواره‌ها هر چند کم‌جان ولی خود را به رخ آسمان می‌کشند، پرچم‌ها بالا می‌روند، دست‌هایی برای برداشتن آخرین خس و خاشاک پایین می‌آیند، پوسته‌های بزرگ و کوچک به سینه دیوارها می‌نشینند، فرهاد فخرالدینی هم چند روز مانده به افتتاح می‌آید و با گروهش سرود کتاب و دانش را در سالن خالی مشق می‌کند، از چند هفته مانده به مراسم افتتاح، خبررسانی شروع می‌شود و هرازگاهی صدا و تصویر یکی از مسئولان کتابخانه را یا می‌بینی یا می‌شنوی! بعضی از بنا و ویژگی‌های آن می‌گویند، بعضی از مراحل انتقال، بعضی از داشته‌ها، بعضی از فرصت‌ها، بعضی از وظایف و خلاصه هر یک از زاویه‌ای نگاه می‌کند و توضیح و تفسیری ارائه می‌دهد اما هیچ‌گاه نه این پرسش مطرح می‌شود و نه حتی کسی به آن اشاره می‌کند که آیا از صبح روز ۱۲ اسفند ماه، یعنی یک روز پس از افتتاح کتابخانه،

و یک روز پس از آنکه سیدمحمد خاتمی به نمایندگی یک ملت ۷۰ میلیون نفری می‌آید و آن را افتتاح می‌کند و به عنوان اولین عضو کتابخانه در ساختمان جدید نیز کارت عضویت برایش صادر می‌شود، آیا این نهاد می‌تواند به آنانی که سال‌ها در انتظار نشسته‌اند خدمتی ارائه کند؟ و اگر می‌تواند با چه کیفیت و کمیتی؟ و اگر نمی‌تواند، پس چه چیز افتتاح می‌شود؟ ... آن سوی دیگر جامعه کتابداران ایران و کارکنان کتابخانه ملی در انتظارند تا تأثیر و تأثرات افتتاح ساختمان را در کارهای مربوط به حوزه کتابداری مشاهده کنند. جامعه کتابداران ایران منتظر است

**سیدمحمد خاتمی: رستگاری اگر قابل
وصول باشد، رستگاری ماست نه رستگاری
من! اگر "ما" وجود دارد به برکت حضور
دیگری ست.**

تا ببیند که آیا پس از این، نقش و تأثیر کتابخانه ملی به عنوان یک نهاد مرجع در حوزه کتابداری چگونه خواهد بود و کارکنان کتابخانه ملی نیز منتظرند تا ببینند، آیا همان قدر که به کتاب‌ها و ساختمان و میز و صندلی و مسائلی این چنین توجه می‌شود و درباره آنها حرف زده می‌شود، درباره آنها که بار اصلی خدمت‌رسانی را به دوش می‌کشند نیز سخنی خواهد رفت؟ و آیا گشایشی در کارهای بعضاً فرو بسته آنها رخ خواهد داد؟ و آیا نوع نگاه به کتابداران ارتقاء پیدا خواهد کرد؟ ... خلاصه آنکه هر قشر و گروهی از زاویه نگاه خود به این افتتاح نگاه کرده و آن را به زبان خود تفسیر و تحلیل می‌کند و تفسیرها و تحلیل‌های متفاوت دهان به دهان می‌چرخند و گاه تمام و گاه نیمه تمام به گوش‌های باز می‌رسند! اما کماکان بیشتر تلاش‌ها و فعالیت‌ها در آن جهت است که مراسم افتتاحیه آن‌گونه باشد که معمولاً باید باشد!

صبح روز سه‌شنبه ۱۱ اسفند ماه ۸۳

سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور چند دقیقه قبل از ساعت ۹ صبح وارد سالن می‌شود، سالن اصلی تقریباً پر

سید کاظم موسوی بجنوردی: افتتاح کتابخانه ملی در سرزمینی که خود از بنیانگذاران فرهنگ و تمدن در جهان به حساب می آید موجب فخر و مباهات مردم این سرزمین است.

است، خبرنگاران رسانه‌های دیداری و شنیداری به طبقه بالا منتقل می‌شوند، بعضی‌ها اعتراض می‌کنند ولی چاره‌ای نیست. قرآن تلاوت می‌شود، سرود ملی نواخته می‌شود و آنانی که کمی دیرتر می‌رسند مجبورند به سالن‌های دیگری که با تلویزیون‌های مدار بسته مراسم را پوشش می‌دهند بروند.

در این مراسم علاوه بر رئیس جمهور و سید کاظم موسوی بجنوردی، رئیس سازمان اسناد و معاونان و کارشناسان کتابخانه، استادان دانشگاه، تنی چند از وزراء، میهمانان خارجی و نام‌آوران صحنه فرهنگ و هنر و علاقه‌مندان به کتاب و کتابخانه و کتابداری حضور دارند، گرچه جای خیلی‌ها نیز خالی‌ست.

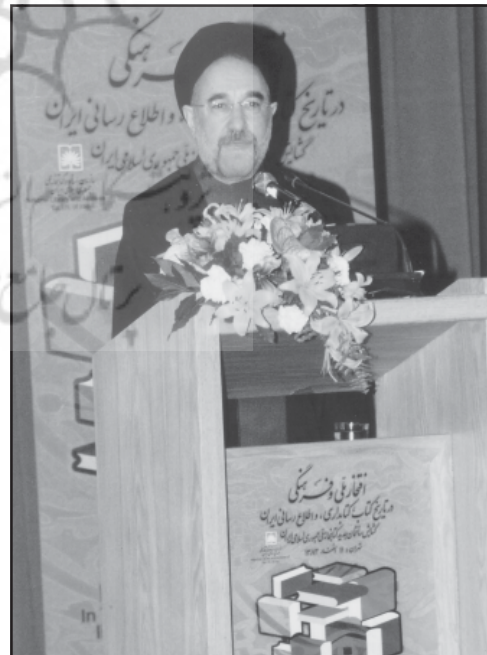
سید کاظم موسوی بجنوردی که پس از رفتن سید محمد خاتمی از کتابخانه ملی به کاخ ریاست

جمهوری، ریاست کتابخانه را بر عهده گرفته است، اولین سخنران مراسم افتتاحیه بود. او در سخنان خود ضمن اشاره به این مطلب که این بنای عظیم نمایانگر اهمیت کتابخانه ملی‌ست می‌گوید: «در امروز جهان که فاصله زمانی و معنوی هر روز کمتر می‌شود، ایجاد یک مرکز بزرگ کتابخانه‌ای در شهرهای بزرگ جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با توجه به این احساس نیاز ساخته شد». رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در ادامه اضافه می‌کند که: «افتتاح کتابخانه ملی در سرزمینی که خود از بنیانگذاران فرهنگ و تمدن در جهان به حساب می‌آید، موجب فخر و مباهات مردم این سرزمین است».

او درباره نقش کتاب در طول تاریخ می‌گوید: «کتاب به مفهوم عام از دوران باستان عالی‌ترین وسیله ضبط باورها و دستاوردهای بشر بوده و امروزه در عصر انقلاب ارتباطات هنوز جایگاه خود را از دست نداده است». رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در پایان سخنانش درباره معیارهای ارزیابی تمدن‌ها سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد که: «حجم آثار مکتوب در هر تمدن معیار ارزیابی دستاوردهای تمدن به حساب می‌آید و تمدن عظیم ایران که نقش اساسی در شکوفایی و رشد تمدن اسلامی داشته است، امروز به افتتاح چنین بنای باشکوهی به خود می‌بالد».

سخنرانی سید کاظم موسوی بجنوردی که به پایان می‌رساند، وزیر مسکن و شهرسازی به ارائه گزارش درباره ساختمان و ویژگی‌های آن می‌پردازد و پس از آن نیز "هانس دیتزیش ورده"، رئیس اجرایی سازمان یونسکو پس از ایراد سخنانی درباره کتاب و کتابخانه، احداث ساختمان کتابخانه ملی را تبریک می‌گوید و سرانجام نوبت به سید محمد خاتمی، رئیس جمهور می‌رسد. کسی که کارکنان کتابخانه ملی از او خاطرات بی‌شمار داشتند و او نیز در دل و ذهن کتابداران جایگاه ویژه‌ای به سبب حضورش در کتابخانه ملی به دست آورده است.

سید محمد خاتمی در آغاز سخنانش از ابن مسکویه رازی، فیلسوف بزرگ تاریخ اسلام و مؤسس و کتابدار کتابخانه بزرگ ری یاد می‌کند و داستان کتاب‌سوزی سلطان غزنوی را به اختصار شرح می‌دهد و در ادامه نیز به بیان حکایتی از قرون وسطا در اروپا و اینکه روا نمی‌داشتند





تا برای دانستن تعداد دندان‌های اسب، دندان‌های او را بشمارند، می‌پردازد و می‌گوید:

«من نمی‌دانم این دو داستان تا چه اندازه درست است، اما آنقدر موارد مشابه این داستان‌ها در تاریخ زیاد است که تردیدی در وجود چنین حوادثی نخواهد بود».

رئیس جمهور در ادامه ضمن اشاره به این مطلب که هر جا اندیشه است، تمدن و باروری تمدن نیز وجود دارد گفت: «آنجا که اندیشه سوزی‌ست تمدن سوزی نیز وجود دارد. رونق اندیشه باعث پویایی زندگی، ایجاد تمدن و بسط آن است و کتاب مظهر اندیشه است».

سید محمد خاتمی در ادامه گفت:

«خدا را سپاسگزارم که امروز شاهد افتتاح ساختمان جدید کتابخانه هستیم. روزی که کار این ساختمان شروع شد تعداد عناوین کتبی که نشر می‌یافت از ده هزار عنوان تجاوز نمی‌کرد ولی امروز به یاری خدا از مرز سی هزار عنوان نیز گذشته است. گرچه همیشه نمی‌توان کمیّت را ملاک و معیار ارزیابی واقعی اندیشه و رواج آن در جامعه دانست اما به هر حال کمیّت نیز اهمیت دارد».

رئیس جمهور در ادامه سخنانش کتاب را به دو نوع، تمام و ناتمام تقسیم می‌کند و می‌گوید:

«کتابی را که نویسنده‌ای می‌نویسد و به دست طبع و نشر می‌سپارد، کتاب تمام است اما کتاب دیگری هم داریم، کتاب ناتمام، کتاب عمر آدمی. کتابی که ما با هر لحظه اندیشیدن، احساس کردن و عمل کردن، سطر، جمله‌ای و کلمه‌ای در کتاب زندگی خویش اضافه می‌کنیم و این کتاب هنگامی به پایان می‌رسد که عمر آدمی به پایان برسد».

وی در ادامه سخنانش درباره اندیشیدن و تفکر می‌گوید: «تفکر با نوعی اضطراب و دلهره همراه است اما تفکر در تاریخ همواره ویرانگر و بی‌خانمان و خانه به دوش نبوده است. تفکر اگر چیزی را خراب کرده است به قصد ساختن چیز دیگر بوده است و اگر امروز گسست و قطعه‌قطعه شدن و به دنبال آن دلهره را در زبان خود می‌بینیم ناشی از بی‌خانمانی و دور ماندن انسان امروز از اصل خویش است. ما باید بپذیریم که اندیشیدن نگرانی به همراه دارد اما همراه با آرزوی رستگاری و رستگاری بیش از هر چیز یک امر اجتماعی‌ست. رستگاری اگر قابل وصول باشد رستگاری ماست نه رستگاری من. اگر «ما» وجود دارد به برکت وجود دیگری‌ست».

رئیس جمهور در بخش پایانی سخنان خود دوباره به موضوع کتابخانه می‌پردازد و می‌گوید: «کتابخانه جایی‌ست که می‌توان از دل معارف گذشته چراغی برای راه آینده جست و باید آن را همچون معابد مقدس و عزیز بدانیم. در کتابخانه است که می‌آموزیم دوست بداریم، زیبایی و کمال و جمال مطلق را بپرستیم و صلح‌جو و عدالت‌طلب باشیم. کتابخانه تنها خانه‌کتاب نیست بلکه پناهگاه مطمئن همه آزادخواهان و قهرمانان نیز هست».

دیگران چه می‌گویند؟

سخنان رئیس جمهور که به پایان می‌رسد فرهاد فخرالدینی به همراه گروهش دو سرود کتاب و دانش را به‌طور زنده اجرا می‌کنند که با تشویق حضار رو به رو می‌شوند و پس از آن نیز رئیس جمهور به بازدید از

بخش های مختلف می پردازد و فرصتی به دست می آید تا با تنی از شخصیت های فرهنگی به گفتگو بپردازیم. احسان نراقی تکیه داده به دیوار سالن همایش در حال گفتگو با محمدعلی ابطحی ست، از او می پرسم: «شما کتابخانه های ملی بسیاری دیده اید، کتابخانه ملی ایران در مقایسه با آنچه شما دیده اید دارای چه



ویژگی هایی ست؟ و او در پاسخ می گوید: «هنوز به دقت کتابخانه را بازدید نکرده ام ولی خیلی خوشحالم از اینکه امروز این کتابخانه به همت آقای بجنوردی و در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی افتتاح شد. در حقیقت دو حادثه است که جالب است، یکی اتمام

رئیس جمهور: هر جا اندیشه است، تمدن و باروری تمدن وجود دارد و آنجا که اندیشه سوزی ست تمدن سوزی نیز وجود دارد. کتابخانه تنها خانه کتاب نیست بلکه پناهگاه مطمئن همه آزادیخواهان و قهرمانان نیز هست.

کتابخانه و دیگر اینکه در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی این اتفاق رخ داد. این کتابخانه هم از لحاظ ساختمان و هم از لحاظ مسائل فنی بی نظیر است». از احسان نراقی فاصله می گیرم و به نظرم می آید که پاسخ سؤالم را نداده است و فکر می کنم که شاید هم نمی خواسته است که پاسخ سؤالم را بدهد!

در میانی سالی که از مدعوین پذیرایی می شود پرفسور حمید مولانا را می بینم، از او می پرسم که آیا از کتابخانه ملی بازدید کرده است؟ و او پاسخ مثبت می دهد و در ادامه همان پرسشی را که برای احسان نراقی مطرح کرده بودم مطرح می کنم و او پاسخ می دهد: «البته بنده تازه بازدیدم را شروع کرده ام ولی به نظرم خیلی خوب و بزرگ است!» می پرسم: فقط بزرگ است؟ و او می گوید: «بله خوب است. بزرگ است». از حمید مولانا هم دور می شوم حس می کنم که او نیز نخواسته است پاسخی ساده و واضح به سؤال بدهد.

به سراغ دکتر غریبی رئیس، سازمان اطلاعات و مدارک علمی ایران می روم و از او می خواهم که اگر از ساختمان بازدید کرده، نظرش را بگوید و او در پاسخ می گوید: «به هر حال من فکر می کنم که آنچه ما امروز می بینم توجه ایران به نگهداری دانش، چه از گذشته و چه در آینده است. به لحاظ ساختمانی، بنایی عظیم و بزرگ است و امیدواریم که از لحاظ مدیریتی نیز یک مدیریت بسیار خوبی در اینجا حاکم باشد و همه مردم بتوانند از این سرمایه گذاری که در کشور شده است استفاده کنند».

از او می پرسم: اگر این بنا را با بناهای کتابخانه های ملی دیگر کشورها، حداقل در خاورمیانه مقایسه کنیم چه ویژگی هایی دارد و آیا صرفاً با افتتاح این بنا، می توان به خواسته ها و توقعات مردم پاسخ داد؟ و دکتر غریبی در پاسخ می گوید: «این مطلبی که جناب عالی می گوید درست است. طبیعتاً ساختمان تنها کفایت نمی کند و ما احتیاج داریم که به مسائلی نظیر قوانین و مقررات، فرایندهای مناسب برای ارائه خدمت، ارزیابی مناسب آنچه انجام می شود و نوع نگاه مخاطبین نیز توجه کنیم. توجه به سیستم های جدید ارائه خدمات، چگونگی شکل دادن به تصمیمات، نحوه رفع کردن قوانین و مقرراتی که احیاناً خدمت رسانی را با شکل مواجه می کند، و چگونگی استقرار مدیریت جدید و مسائلی از این



آنها را با کسی در میان نگذارم و منتظر بنشینم تا زمان به صراحت و شفافیت پاسخ آن را بدهد. پرسش‌هایی نظیر اینکه ساختمان کتابخانه افتتاح شد ولی آیا این افتتاح در بهبود احوال و شرایط کتابداران و کارکنان کتابخانه ملی نیز مؤثر خواهد بود؟ آیا همان‌گونه که عظمت و بزرگی بنا به کرات مورد توجه و تشویق و تحسین و مباحثات قرار گرفت، به شأن و بزرگی کارکنان و کتابدارانی که همه زحمت خدمت‌رسانی را به دوش دارند توجه کافی می‌شود؟ آیا حالا که گره از بعضی از مشکلات سخت‌افزاری کتابخانه ملی مانند داشتن فضای مناسب و کافی باز شده، گره‌ای از مشکلات معیشتی کارکنان و کارمندان این مجموعه فرهنگی که قطعاً و حتماً بر روی کارکرد آنان تأثیر مثبت یا منفی خواهد داشت باز خواهد شد؟

قبیل نیز جزو آن دسته از مواردی هستند که علاوه بر ساختمان باید به آنها توجه کرد. ما حتماً نیازمند آن هستیم که برای اداره چنین مجموعه‌ای از تجربه‌های کشورهای دیگر نیز استفاده کنیم و در حوزه علم صرفاً به تعامل درونی بسنده نکنیم.»

و پایان یک افتتاح

به میانه روز نزدیک‌تر می‌شویم، افراد و شخصیت‌هایی که برای حضور در مراسم افتتاحیه آمده بودند ساختمان کتابخانه را ترک می‌کنند، رئیس جمهور نیز پس از بازدید از بخش‌های گوناگون ساختمان کتابخانه ملی را ترک می‌کند، نمی‌دانستم که به کاخ ریاست جمهوری می‌رود یا خود را برای یک افتتاحیه دیگر آماده می‌کند. سؤال‌های بی‌شماری ذهنم را مشغول کرده است و ترجیح می‌دهم